

الگوی ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام شهر تهران: مدلی برآمده از نظریه زمینه‌ای*

لیلا زائر^۱، حسین ابوالحسن تنهایی^۲، سید سعید آقایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر شناخت الگوی ساختار سازمانی در انجمن معتادان گمنام شهر تهران بود. **روش:** روش این پژوهش کیفی و از نوع نظریه گراندد تئوری بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه صاحب‌نظران و متخصصان و اعضای پیشکسوت انجمن معتادان گمنام بود و از بین آن‌ها ۱۸ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و گزینشی با استفاده از نرم‌افزار MAX.QDA 2020 تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که مقوله محوری در ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام پذیرش هدفمندی فرایند بهبودی بود. شرایط زمینه‌ای شامل اصول اساسی انجمن و ویژگی‌های سازمانی و شرایط علی شامل باورهای بنیادین، دوگانه‌های انجمن و سطه ایمان محوری بود. مقوله‌های دیالکتیک فرد و جامعه در انجمن، فرصت‌های درون‌انجمنی و تهدیدهای درون‌سازمانی نیز شرایط مداخله‌ای این ساختار سازمانی را تشکیل دادند. استراتژی‌های انجمن معتادان گمنام نیز شامل استراتژی‌های سازمانی و مکانیسم‌های بازتوانی بودند. در نهایت، مقوله شیوه‌های درمانی و مکانیسم بازتوانی به عنوان پیامد ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام شناسایی شد. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاکی از آن است که ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام در شیوه اجرا اگرچه موفقیت‌های چشمگیری داشته است، اما در ساختار قدرت که سلسله‌مراتبی و مبتنی بر حلقه‌های عمودی قدرت است و در برخی باورهای بنیادین با استحاله هویت افراد وابسته به مواد روبرو شده که انتقاد برخی از بنیان‌گذاران این انجمن در ایران را نیز به همراه داشته است.

کلیدواژه‌ها: ساختار سازمانی، دوگانه‌های انجمن، شیوه‌های درمانی، انجمن معتادان گمنام، نظریه زمینه‌ای

*. این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). پست الکترونیک:

hatanhai121@gmail.com

۳. گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

انجمن معتادان گمنام برای پاسخگویی به نیازهای مشترک اعضای که در این انجمن هم‌کنشی دارند، موفق به پیدا کردن راه‌های مشترکی شده‌اند که دستیابی به اهداف مشترک اعضای انجمن را امکان‌پذیر ساخته است. از همین رو، انجمن معتادان گمنام بر اساس اصل اول جامعه‌شناسی (تنهایی، ۱۴۰۲) با پیدا کردن راه‌ها و اهداف مشترک، یک گروه اجتماعی به شمار می‌روند که همین ویژگی، مطالعه جامعه‌شناختی این گروه اجتماعی را میسر ساخته است. فهم مشترک در این گروه با تکرارپذیری و سازمان‌یافتگی تبدیل به ساختی اجتماعی شده است که دارای ویژگی‌های کنش پیوسته در دیدگاه بلومر می‌باشد. بنابراین، ساخت اجتماعی این انجمن از ساختار سازمانی‌ای بهره‌مند شده است که در اثر هم‌کنشی اعضا به نظامی سازمان‌یافته دست یافته و موفق به برآورده ساختن اهداف مشترک شده است. بنابراین آنچه که در تاریخچه این انجمن آمده است، پاسخگوی پرسش‌های پژوهشگر نیست و توانسته فرایند سازمان‌دهی راه‌های مشترک در انجمن معتادان گمنام را توصیف کند و داده‌هایی را در اختیار پژوهشگران قرار دهد تا عناصر فرهنگی و اجتماعی در ساخت‌سازی این ساختار سازمانی را کشف کنند و کارکردهای اجتماعی آن را ارتقا دهند.

۲۱۸

218

سال هفدهم، شماره ۹، پاییز ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 69, Autumn 2023

با توجه به اینکه تلاش‌های زیادی صورت گرفته تا سیستم ضداعتیاد و مقابله با اعتیاد به مواد مخدر تحت کنترل و نظارت درآید، شواهد حاکی از آن است که انجمن معتادان گمنام^۱ به‌عنوان یک انجمن مردم‌نهاد از موفق‌ترین سازمان‌ها در راستای ترک اعتیاد بوده است. به همین دلیل ساختار سازمانی این انجمن که توانسته گامی مؤثر در این مسیر بردارد، می‌تواند حلقه مفقوده سازمان‌هایی باشد که در این زمینه فعالیت دارند. دهه هفتاد، دهه تحولات تاریخی در راستای مبارزه با اعتیاد در کشور ایران است. با اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌خصوص ماده ۱۵ آن که صراحتاً می‌گوید: «اعتیاد جرم است اما به کلیه معتادان اجازه داده می‌شود تا به مراکز مجاز مراجعه کرده و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند»، تغییری اساسی در رویکرد نظام جمهوری

اسلامی به وجود آمد (بیگی، محمدی‌فر، فراهانی و محمدخانی، ۱۳۹۰). از طرف دیگر با تشکیل ستاد مبارزه با مواد مخدر به عنوان متولی امور و تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر کمک به رشد سازمان‌های غیردولتی شاهد رشد این سازمان‌ها در سراسر کشور بوده‌ایم. در این میان بیشترین فعالیت‌ها معطوف به کاهش تقاضا و درمان شد و روش‌های متنوعی به کار گرفته شده است. روش پرهیزمداری و ایمان‌مداری در رأس قرار دارد. مددجویان با کمک از راهنمایان خود، مسیر درمان را سپری می‌کنند. شرکت در جلسه‌های منظم و پایبندی به سنت‌ها و قدم‌های دوازده گانه از اصول اساسی این روش درمان است (نارنجی‌ها، ۱۳۸۹). این روش به صورت پروتکل درمانی پرهیزمدار و ایمان‌مدار مستندسازی شد و پس از پژوهش‌های متعدد و شناسایی معایب و مزایای آن و تلاش در جهت به حداقل رساندن معایب به تصویب سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر رسید. یکی از سازمان‌هایی که روش پرهیزمدار را به کار گرفت، انجمن معتادان گمنام است که برای کارآمدتر شدن از الگوهای دیگری هم استفاده کرده است. وقتی الگویی برای برخی از افراد یک سازمان مناسب نیست، تجربیات منفی و ناامیدی به وجود می‌آورد و نیاز به ارائه طرحی به منظور شکل‌گیری فهم مشترک بین اعضا وجود دارد تا از محدودیت‌های ایجاد شده به عنوان فرصت برای بهبود ارزش‌ها استفاده کنند؛ به عبارت دیگر چارچوبی شکل گرفته و ضرورت‌هایی القا می‌شوند که مانند قدرت بیرونی بر آن‌ها فشار آور شده که مجبور به انجام آن می‌شوند. پژوهش‌های انجام گرفته درباره انجمن معتادان گمنام، نشان می‌دهد که رضایت همه جانبه اعضای انجمن را تأمین نمی‌کند؛ از جمله وِدرهاوس، هوی و بیرکلند^۱ (۲۰۲۰) در تحقیق‌شان با عنوان «یک الگو برای همه مناسب نیست»، سه نظر اساسی را شناسایی کردند و بیان داشتند الگوی ۱۲ قدمی انجمن حتی با استراتژی‌های به کار گرفته شده در انجمن، مناسب نیست. همچنین روش انجمن برای توجیه مدل اعتیاد فرد، تجربیات منفی ناامیدی را برمی‌انگیزد و یک مکان امن می‌تواند تبدیل به یک قفس بشود. بنابراین متخصصان اعتیاد باید مشکلات احتمالی مربوط به شرکت‌کننده‌ها را برای کمک به جلوگیری از تجربیات منفی و آسیب‌های احتمالی

افراد تشخیص دهند. بنابراین ویژگی ساختار سازمانی کارآمد قابلیت تغییر آن به تناسب بسترهای اجتماعی است.

سازمان دارای ویژگی انعطاف پذیری می باشد که با تغییر تفسیر کنشگران از موقعیت می تواند شکل جدیدی از هم کنشی سازمان یافته ایجاد نماید. در مقابل ساختار، هر سازمان یافتگی میان کنشگران اجتماعی در موقعیت ها از نظمی برخوردار است که آن را قابل اشاره و قابل فهم می سازد. بنابراین ساختار سازمانی علاوه بر اینکه منظم است، بسیار پویا است. ساختار سازمانی نیز به عنوان یکی از مهم ترین عناصر دستیابی سازمان به استراتژی است؛ لذا ارائه صحیح ساختاری که بتواند استراتژی سازمان را به مرحله ظهور برساند، بسیار حائز اهمیت است. نقش های افراد در سازمان سنگ زیرین ساختار سازمانی بوده و روابط بین نقش هاست که ساختار را شکل می دهد. ساختار سازمانی از طریق طراحی الگوهای هم کنش گرایانه، زمینه کنترل اعمال افراد را فراهم می نماید (رابینز و جودیج^۱، ۲۰۱۸). ساختار شبکه روابط اجتماعی انجمن معناتان گمنام در ایران نمونه ای از شبکه روابط اجتماعی خودجوش، مردمی و از پایین به بالا است که از معناتان بهبود یافته یا در حال بهبودی تشکیل می شود. از به هم پیوستن نمایندگان گروه های معناتان گمنام (هر گروه به مدت یک سال یک رابط بین گروهی را انتخاب می کند)، کمیته های خدماتی شهری (شامل رابط های بین گروهی در هر منطقه یا شهر بسته به جمعیت و وسعت شهر) و از به هم پیوستن نمایندگان کمیته های خدماتی شهری، کمیته ناحیه (شامل رابط های کمیته شهری که در آن ناحیه وجود دارند)؛ از به هم پیوستن نمایندگان کمیته ناحیه، کمیته یا شورای منطقه (شامل رابط های نواحی در کل کشور)؛ و در نهایت خدمات جهانی (که مسئول ارتباط جهانی و ترجمه نشریه ها است) به وجود می آید. تشکیل گروه ها به صورت خودجوش است و هر معناتان بهبود یافته می تواند گروهی از معناتان در حال بهبودی را به وجود بیاورد و نماینده خود را به کمیته شهری بفرستد که تشکیل کمیته ها از پایین به بالا است (شیخ انصاری، ۱۳۹۹).

یکی از مفاهیم محوری در ساختار سازمانی، روابط قدرت است. فوکو براین باور است که قدرت چیزی نیست که تصاحب شود، به دست آید یا تقسیم شود، چیزی که نگه داشته شود یا از دست بگریزد. قدرت از پایین می آید، هر جا قدرت وجود دارد، مقاومت هم وجود دارد؛ بنابراین روابط قدرت نیت مند هستند (فوکو، ۱۳۹۷). در روابط مبتنی بر قدرت از دیدگاه بلومر، رویارویی منافع، نیات و اهداف مشخص می شود. طرفین در پیگیری اهداف مهم خود به تضاد با یکدیگر در می افتند؛ هر طرف رابطه در پیگیری اهدافش، بر منابع قدرت خود تکیه کرده و آن ها را به کار می بندند؛ در نتیجه آزادی کنش فراهم شده، اتاق کاری عملیاتی برای طراحی، مانور، چاره اندیشی، انتخاب راهکارها و راهبردها، فرماندهی و مداخله در منابع ساخته می شود (بلومر، ۱۳۹۶). از نظر مکس وبر، اقتدار، صورت سازمان یافته کنش اجتماعی است و کنش اجتماعی، صورت جمعی کنش تفهیمی یا تفسیری است. نظام اقتدار کنشگر را به پذیرش، سکوت و یا تحمل دعوت می کند (تنهایی، ۱۳۹۹). استراتژی ای که در انجمن معتادان گمنام اتفاق می افتد باعث شده قواعدی که ابتدا توسط اعضای انجمن براساس فهم مشترک ساخته شده، سپس با تکرار آن به عنوان قوانین، بر آدم هایی که در آن ساختار قرار دارند، سلطه پیدا می کند و آن ها را دچار بیگانگی می کند و در قفس آهنین گرفتار می کند.

طبق پژوهش گلنتر، وایت و هانتر^۱ (۲۰۱۹) در انجمن معتادان گمنام هیچ شرط و شروطی وجود ندارد، گروه ها به هیچ سازمانی وابسته نیستند، حق عضویتی ندارند و با هیچ سازمان سیاسی، مذهبی و یا انتظامی نیز ارتباطی ندارند. گافمن (۱۴۰۰) هم معتقد است غالباً افرادی که داغ مشترک دارند، از انتشار نوشته هایی که احساسات مشترک آن ها را انعکاس دهد و احساس خواننده نسبت به حقیقت «گروه» او و وابستگی اش به آن را انسجام بخشد، حمایت مالی می کنند. همچنین اعضای انجمن با این داغ مشترک، انسجام گروهی پیدا می کنند و با شکل گیری انسجام درون گروهی، نمادهای معنادار بین افراد به وجود می آید که این نمادهای معنادار در قالب عام واژه ها^۲ (اسلنگ یا گفتار عامیانه) به گونه ای زبان زنده، رکیک و موهن است که در جامعه زنده و روبه رشد است (نوروزی جویانی،

(۱۳۹۶). شعارها (درنگ یا بهبودواژه) در انجمن معتادان گمنام و سایر برنامه‌های ۱۲ قدمی شکل می‌گیرد و باعث افزایش انسجام در بین اعضا می‌شود و از ابزارهای بهبودند. آن‌ها علی‌رغم کوتاهی‌شان عباراتی تأثیرگذار و هموارکننده در مسیر بهبودند. امیدافزایی و جهت‌دهی به بهبودی ممتاز در کنار سایر ملزومات بهبود، نظیر قدم‌ها، به آن داده است. شعارها بخش جدایی‌ناپذیر برنامه‌های ۱۲ قدمی و جزء «سُنن شفاهی»^۱ این برنامه هستند (نوروزی جویانی، ۱۴۰۲).

یکی دیگر از اصول ارتباطات درون‌سازمانی، گمنامی اعضای انجمن معتادان گمنام می‌باشد. رازداری، بخشی از گمنامی است و فرد رازدار با رازداری خود، نزدیکی‌اش را با صاحب راز حفظ کرده و از منافع این کارش بهره‌مند می‌گردد. از نظر سیمل، وجود پنهان‌کاری بین دو نفر یا دو گروه و اندازه آن، مسئله‌ای است که تمام ارتباط آنان را تعریف می‌کند. در گروه‌های بزرگ‌تر، تعداد رازها بیشتر می‌شود و به دلیل خصیصه‌های گوناگون اعضای گروه، نیاز بیشتری به آن‌ها وجود دارد (دیلینی، ۱۳۹۹). در این روش اصل گمنامی باعث می‌شود که افراد بدون ترس از ممانعت‌های اجتماعی، قانونی و فرهنگی در این جلسات شرکت کنند. روش مهم و اساسی در جلسات معتادان گمنام این است که یک معتاد به معتادی دیگر جهت بهبودی‌اش کمک کند و افراد با تجربیات زندگی و بهبودی خود از مواد مخدر در این جلسات شرکت می‌کنند و این گروه توسط خود افراد معتاد رهبری می‌شود. هزینه‌های این جلسات از محل کمک‌های داوطلبانه اعضا تأمین می‌شوند و جهت استقلال و عدم وابستگی، گروه کمک‌های مالی افراد غیر عضو را نمی‌پذیرند (بیل^۲، ۲۰۰۹). تنهایی (۱۴۰۰) بر این باور است انسان کنشگر در طبیعت گوهری خود، توانمندی باروری، بر پایه توان اندیشه و تحلیل نقادانه از محیط و موقعیتی که در آن زیست می‌کند را داراست. انسان با شکوفایی و رهاسازی چنین طبیعتی، می‌تواند مفهوم عشق عام و همیاری آگاهانه را تجربه کند و لذت و خوشی آدمی بودن را تجربه کند. مهم‌ترین شرط برقراری درست سندیکالیسم در دستگاه تفسیری پرگمستی، حق برابر چانه‌زنی و برابری حق سیاسی و کنشگری برای تمامی طرف‌های درگیر در

جنبش‌های مطالبه‌گری و چانه‌زنی صنفی، سیاسی، دینی، قومی و یا هرگونه‌ای از پیکربندی اتحادیه و سندیکااست.

پژوهش‌هایی در رابطه با پیوستگی و تداوم حضور اعضا در جلسات انجمن صورت گرفته است؛ طبق نتایج تحقیق قدرتی و رحیمی چیتگر (۱۴۰۰)، انجمن معتادان گمنام به عنوان یک منبع مهم حمایت توانسته است که در بستری از روابط سالم نقش‌های شخصیتی افراد دارای اعتیاد را ترمیم و بهبود بخشیده و به آنان حمایت‌های عاطفی و اجتماعی مناسبی را ارائه دهد. خوانساری و جعفری هرنندی (۱۴۰۱) معتقدند آموزش دوازده قدم انجمن معتادان گمنام بر تاب‌آوری و خودکارآمدی اعضای انجمن معتادان گمنام تأثیرگذار است، لذا این درمان، روشی مناسب برای درمان افراد وابسته به مواد می‌باشد. طبق نتایج پژوهش سبزی و اسلمی (۱۴۰۱)، برنامه دوازده قدمی انجمن معتادان گمنام نقش مهمی در فرآیند بهبودی فرد به روال یک زندگی سالم و برقراری روابط مناسب خانوادگی و اجتماعی ایفا می‌کند. نتایج تحقیقات صالحی و طباطبایی‌نژاد (۱۴۰۱) حکایت از این دارد که می‌توان از جلسات انجمن معتادان گمنام برای بهبود مسائل اجتماعی و روان‌شناختی و کاهش ولع افراد وابسته به مواد استفاده نمود.

ستوده‌اصل، ماهیگیر، پاک‌نظر و میرمحمدخانی (۱۳۹۹) معتقدند شرکت در جلسات آموزشی معتادان گمنام، می‌تواند در بهبود یا اصلاح نگرش نسبت به مصرف مواد نقش بیشتری داشته باشد. رحیمی (۱۳۹۹) معتقد است در میان عوامل توانمندساز برای کمک به افراد جهت شروع ترک مصرف، حمایت‌های همسر و تداوم شرکت در جلسات انجمن معتادان گمنام اثربخش است. در پژوهش‌های انجام گرفته در خارج از ایران، طبق نتایج تحقیق ناک^۱ (۲۰۲۲a) حاکی از نقش مفید اعمال مذهبی و تجربیات معنوی در شرکت‌کنندگان در الکی‌های گمنام است که با شادی آن‌ها و متغیرهای مرتبط مانند خوش‌بینی و مدت پرهیز همراه است. در تحقیق دیگری از ناک (۲۰۲۲b) یادگیری اجتماعی در میان شرکت‌کنندگان الکی‌های گمنام «تحول معنوی» را تسهیل می‌کند که بر تغییر رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در این فرایند دگرگونی معنوی، در برخی مکانیسم‌های

معنوی مانند تغییر ادراک از خدا، افزایش معنای زندگی، بخشش، افزایش پذیرش خود، افزایش استفاده از مکانیسم‌های مقابله‌ای مثبت و افزایش ادغام در حلقه‌های اجتماعی دخالت دارند و همین کارکرد یافتن معنای زندگی را تسهیل می‌کند. تحقیق گلنتر، وایت، زیگلر و هانترا^۱ (۲۰۲۰) تعیین چگونگی درک اعضا از مفهوم ۱۲ مرحله‌ای «خدا را همانطور که او را درک کردیم» و «ارتباط میان درک اعضا از خدا و شدت ولع آن‌ها نسبت به نوشیدن الکل و مصرف مواد و علائم افسردگی‌شان» می‌باشد. پاسخ اعضای انجمن در مورد درکشان نسبت به خدا به طور قابل توجهی متفاوت بود و نشانه‌های افسردگی و شدت ولع آن‌ها به مصرف مواد را پیش‌بینی می‌کرد. فلورا، رفتوپولوس و پونتیکز^۲ (۲۰۱۰) بیان کردند میانگین حضور مرتب در جلسات انجمن ۴۵ ماه بود و ۵۰ درصد نمونه نیز به مدت ۴۲ ماه به طور منظم در جلسات انجمن شرکت داشتند. شیوه مشارکت اعضا در جلسات به صورت بیان تجربیات و نقش راهنما بود. دُست^۳ (۲۰۱۳) و گازوپ، استوارد و مارسدن^۴ (۲۰۰۸) معتقدند حضور مستمر و مرتب در جلسات انجمن‌های معتادان، موجب افزایش احساس خودمراقبتی در برابر مواد شده و پیامدهای منفی آن‌ها را کاهش داده بود؛ بنابراین، جلسات اثربخش و کمیت حضور در این جلسات موجب پیوندهای قوی‌تر اعضا با این انجمن‌ها و تعهدشان به خود و انجمن شده بود. همچنین افرادی که در جلسات انجمن معتادان گمنام برای دوره کوتاه‌مدت شرکت می‌کنند، نتیجه مطلوبی نمی‌گیرند.

با توجه به افزایش معتادان کشور در کنار وجود راه‌های متعدد ترک اعتیاد، می‌توان گفت انجمن معتادان گمنام (طبق اظهارات انجمن معتادان گمنام در ایران، به علت گمنامی اعضا، کل جمعیت را حدود یک میلیون نفر برآورد کرده‌اند) با استراتژی جدیدی در حل مسئله اعتیاد موفقیت‌آمیز عمل کرده و با توانمندی‌های مناسب توانسته به نتایج بهتر در ترک اعتیاد در بین معتادان دست بیابد. بنابراین با توجه به مقایسه تعداد کل معتادان در ایران، جمعیت اعضای پاک شده در انجمن جمعیت بالایی را شامل می‌شود. با توجه به

1. Galanter, White, Ziegler & Hunter
2. Flora, Raftopoulos & Pontikes

3. Dossett
4. Gossop, Stewart & Marsden

نتایج پژوهش‌های انجام شده، هدف این پژوهش شناسایی ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام در راستای پاسخگویی به این سوال است که انجمن معتادان گمنام از چه ساختار سازمانی و استراتژی استفاده می‌کند که توانسته است به نحو قابل توجهی در امر بهبودی و حفظ پاکی پس از درمان مؤثر باشد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

به جهت ماهیت موضوع پژوهش حاضر، از رویکرد کیفی به روش گرانددتئوری (نظریه مبنایی یا نظریه داده بنیاد) استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه صاحب‌نظران و متخصصان (در رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، مددکاری، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پزشکی که با انجمن معتادان گمنام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط بودند) و اعضای پیشکسوت انجمن معتادان گمنام بود. انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند بود. حجم نمونه در حین فرایند تحقیق مشخص گردید؛ زیرا در پژوهش‌های کیفی، اشباع شدن اطلاعات، مهم‌تر از تعداد افراد مورد مطالعه است؛ بدین معنی که محقق جمع‌آوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه دهد که اطلاعاتی که از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری می‌کند، تکراری شده و اطلاعات جدیدی به اطلاعات گردآوری شده قبلی اضافه نشود؛ به عبارت دیگر داده‌های گردآوری شده به اشباع نظری برسند (عظیمی‌دلارستانی، رضوی و برومند، ۱۳۹۷). با در نظر گرفتن نکات فوق در مجموع در این پژوهش به روش نمونه‌گیری هدفمند (ناهمگن)، ۱۸ مصاحبه انجام و ضبط گردید. داده‌ها نیز همزمان با گردآوری آنها طی سه مرحله کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و گزینشی^۳ و با استفاده از نرم‌افزار MAX.QDA 2020 تحلیل شد. اعتبار و روایی داده‌های کیفی نیز با روش چک کردن و توافق میان مشارکت‌کنندگان، محققان و کدگذاری مجدد و بازبینی کدهای قبلی تأمین شد. در این مطالعه، اصول اخلاقی پژوهش شامل رازداری و حفظ حریم خصوصی اشخاص رعایت شد.

یافته‌ها

در اولین مرحله کدگذاری از مجموع مصاحبه‌ها، ۹۰۳ کد باز یا مفهوم استخراج شد. بعد از ادغام این کدها براساس همپوشانی، ۴۲۹ کد باقی ماند. با مقایسه مداوم کدها و داده‌های خام براساس تشابه و تفاوت، کدهای مشابه در یک طبقه، کنار هم قرار گرفتند و دسته‌بندی اولیه‌ای از کدها به دست آمد. در گام پایانی کدگذاری باز مفاهیم در دوازده مقوله اصلی^۱ و ۴۹ طبقه یا خرده مقوله دسته‌بندی شدند.

جدول ۱: مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

عنوان	مقوله‌ها
مقوله محوری	پذیرش هدف‌مندی فرایند بهبودی
شرایط زمینه‌ای	اصول اساسی انجمن ویژگی‌های سازمانی باورهای بنیادی انجمن
شرایط علی	دو گانه‌های انجمن سلطه ایمان محوری
شرایط مداخله‌ای	دیالکتیک فرد و جامعه در انجمن فرصت‌های درون‌انجمنی تهدیدهای درون‌سازمانی
استراتژی‌ها	استراتژی‌های سازمانی مکانیسم‌های بازتوانی
پیامدها	شیوه‌های درمانی و بازتوانی

در مرحله کدگذاری محوری استراتژی‌های سازمانی به عنوان مقوله محوری انتخاب شد و روابط بین مقوله‌های به دست آمده با محوریت این مقوله شرح داده شد. سپس در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله‌ها در مدل پارادایمی نهایی، حول مقوله هسته‌ای پژوهش قرار گرفتند و سرانجام مدل پدیدار و خط داستانی تمایز الگوهای ساختار انجمن معتادان گمنام روایت شد. خرده‌مقوله‌های مربوط به مقوله محوری تأثیر گذار بر الگوی ساختار

سازمانی انجمن معتادان گمنام شامل تسلیم شدن در برابر اصول بنیادی انجمن، هدف‌مندی فردی در انجمن و هدف‌مندی جمعی در انجمن است.

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده مربوط به مقوله محوری (پذیرش هدف‌مندی فرایند بهبودی)

مقوله	خرده‌مقوله	مفاهیم
پذیرش هدف‌مندی فرایند بهبودی	تسلیم شدن در برابر	پذیرش اساس‌نامه، پابندی ترتیب اجرای دوازده قدم،
	اصول بنیادی انجمن	ضرورت اجرای دوازده‌قدم، لزوم آموزش‌های بنیادی
	هدف‌مندی فردی	پابندی به قدم‌ها مانع خودویرانگری، صلح فردی هدف قدم‌ها،
	در انجمن	کاهش تکانشگری، نتیجه برنامه دوازده‌قدم
	هدف‌مندی جمعی	پابندی به سنت‌ها مانع دیگرآزاری، مهمان‌نوازی در سنت‌ها،
	در انجمن	صلح اجتماعی، صلح خود، خدا و جامعه هدف مفاهیم

در خرده‌مقوله تسلیم‌شدن در برابر اصول بنیادی انجمن، الزام به اجرای قدم‌ها و سنت‌ها، محوریت هر دوازده قدم و سنت، موضوع ایمان هست و می‌خواهد توجه معتاد را به اینکه نیروی برتری (خدا) است که فقط آن ناجی اصلی است، جلب کند. بنابراین در تمام جوامع بشری هر جا که مذهب باشد این مدل هم کار می‌کند. در شرح خرده‌مقوله فردی در انجمن می‌توان گفت اصول انجمن به صراحت می‌گوید، ما به تنهایی محکوم به فنا هستیم و با در میان گذاشتن آنچه که داریم خود را حفظ می‌کنیم (ارزش درمانی کمک یک معتاد به معتاد دیگر). همچنین مفاهیم به ما کمک می‌کند این سه ضلع خودم (قدم‌ها) و خداوند و جامعه یا دیگران (سنت‌ها) را به صلح برسانیم. کسانی خوب می‌توانند خدمت کنند که این سه ضلع (در صورتی که نیت هم خیر باشد) را داشته باشند. اگر این چهار مورد را درست انجام دهی دستاورد آن آزادی می‌شود. شرایط علی اثرگذار بر الگوی ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام نیز شامل باورهای بنیادین انجمن، دوگانه‌های انجمن و سلطه ایمان‌محور است. خرده‌مقوله‌های باورهای بنیادین نیز فرهنگ شفاهی (اسلنگ‌ها) اصطلاحاتی است که در حقیقت زبان تخصصی یک گروه یا حرفه است که برای اعضای آن گروه قابل فهم و برای سایرین ممکن است بی‌معنا باشد؛ به

جارگون^۱ معروف است. جارگون برای راحتی بین افراد آن حیطه و برای تسهیل ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. این اصطلاحات بین اعضای انجمن در حال گشتن هست، پشت آن‌ها تجربه هست و در حال نشر هستند. بسیار پراکتیکال هست، علی‌رغم سودمندی این شعارها، برخی منتقدان بر این باورند که این شعارها احساساتی و کم‌مایه هستند. «مناسک و آداب» برای کنشگران این میدان، اقتدار جامعه‌پذیری، نظم‌پذیری و پذیرش مسئولیت کامل بهبودی به همراه دارد. از این نگاه در میدان ساختار انجمن معتادان گمنام، الزام افراد به رعایت کردن آداب می‌باشد که تکانش‌گری در افراد کاهش پیدا می‌کند. فرد تازه‌وارد به انجمن، شاه‌نشین می‌شود، از وی استقبال می‌شود و اعضاء با سال‌های پاکی بالا، با افتخار از سال‌های پاکی و تجربیاتشان صحبت می‌کنند.

جدول ۳: مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده مربوط به شرایط علی (باورهای بنیادی، دوگانه‌های انجمن و سلطه ایمان محوری)

مقولات اصلی	خرده‌مقوله	مفاهیم
باورهای بنیادی انجمن	فرهنگ شفاهی یا اسلنگ‌ها	اسلنگ‌ها (شیوه انتقال تجربه‌ها) سینه به سینه، جارگون، حالت نمادگون واژگان، جلسه جاذبه، روش پرورنده راهنماهای شفاهی، لقب گذاشتن آموزه‌های معنوی (دعای روزانه)، مناسک جذب، آیین و مناسک،
	مناسک و آداب	شعارهای جلسات، قدرت برتر، جشن‌های سالانه، پمفلت، خواندن دعای آرامش، سنن شفاهی، سنت اعتراف، آرم انجمن
دوگانه‌های انجمن	رهجو-راهنما / فرارهنما	کمک معتمد به معتادی دیگر، مربی تازه‌واردین، ریش سفیدها، تقدس‌گرایی، کاریزمایی راهنما، سلسله‌مراتب قدرت
	جمع‌گرایی / فردگرایی	تمایل، کسب بهبودی (پرهیز کامل)، برنامه بین‌گروهی، رساندن پیام بهبودی، تکانشگری، برجسب بیمار، همبستگی
سلطه ایمان محوری	محرومیت / خودافشایی	اعتراف به گناه، حفظ حریم خصوصی، آزادی عمل، گمنامی، قدرت در بین اعضاء، احساس گناه و ندامت، لغزش اعضاء
	ایمان محوری رویکرد	سلطه ابزاری در ارکان ابزاری شدن شعارهای انجمن، مخاطب‌دار بودن رویکرد دینی، شعارهای انجمن
ایمان محوری	ایمان به‌عنوان زمین بازی انجمن، رویکرد دینی در مدل سازمانی انجمن، پیشرفت افراد متواضع، آزادی دستاورد نیت خیر	تأثیرگذار

در اصول انجمن راهنما به عنوان یک پیشنهاد دهنده از تجارب شخصی خودش برای رهجو محسوب می‌شود (کارکرد اصلی راهنما و رهجو، کار کردن قدم‌ها زیر نظر راهنما می‌باشد) اما به نظر برخی از آنان در رابطه با راهنما و رهجو مشکلاتی چون در گروه‌های انجمن در مواردی راهنمایان با همسران مصرف‌کننده‌ها که در جایگاه رهجوی آن‌ها هستند، ارتباط می‌گیرند. ابتدا حمایت عاطفی جایگزین کمبودهایش و بعد شکل رابطه فرازناشویی را پیدا می‌کند. گاهی راهنما به عنوان یک بُت در نظر گرفته می‌شود که سرپیچی از اوامرشان عواقب ناگواری داشت، که در ایران مدل و فرهنگ راهنما و رهجوی به یک مدل مرید و مراد که دارای آسیب‌های جدی است، تبدیل شده بود؛ یعنی هر کسی که باور قوی‌تر و معنوی‌تر دارد برتر است که این باعث به وجود آمدن ریاکاری در افراد می‌شود. جمع‌گرایی و فردگرایی، خرده‌مقوله دیگری است که در دو گانه‌های انجمن مطرح شده است. ویژگی عجیب و غریبی که انجمن (پارادوکسیکال و متناقض) دارد، همزمان از مدل‌های جمع‌گرایانه^۱ و مدل‌های فردگرایانه^۲ توأمان در مسیر و فرایند بهبودی استفاده می‌کنند. این دو نقطه، نقطه‌های مقابل همدیگرند. انجمن از یک سو بار اصلی مصرف مواد و ابتلا به اعتیاد را به عهده معتاد می‌گذارد و از او می‌خواهد بگوید: «من در مقابل مصرف مواد عاجزم و ضعف فردی مرا به مصرف مواد کشانده است. باید از درون به نیروی برتری ایمان بیاورند و به عجزشان اعتراف کنند» با محوریتی به نام فرد روبروست و راه‌حل‌هایی که می‌دهد از جنس فردی است (ترازنامه اخلاقی تهیه کنم، گناهان مرتکب شده پیشینم و گذشته را در حد وسعم جبران کنم). از سوی دیگر همین سیستم فردگرا به غایت جمع‌گرا عمل می‌کند، به این معنا که شبکه‌ای از آدم‌ها به وجود می‌آورد که بی‌دریغ در خدمت هم هستند و سخاوتمندانه خدمات دریافت می‌کنند. در برنامه به آن‌ها خدمت کردن را می‌آموزند، پیام بهبودی را به دیگران می‌رسانند (برای پاک ماندن باید به دیگران کمک کنند تا پاک بمانند). خرده‌مقوله محرمیت و خودافشایی، رابطه الاکلنگی دارند و یکی از مشکلات انجمن، اصل بر خودافشایی هست؛ این خودافشایی یعنی شخص همه ناپاکی‌ها و نآلودگی‌ها را بیرون بریزد، که در تقابل با حریم

خصوصی قرار می‌گیرد و باعث می‌شود به افتراقات و اختلافات دامن بزند، همه از زندگی خصوصی هم خبر داشتند و این خودش سوژه شد برای اینکه بعداً اگر شخص در زمینه‌ای با اختلاف روبرو شد، از این خودافشایی‌ها سواستفاده کند. سلطه ابزاری در ارکان انجمن، خرده‌مقوله دیگری است که در دوگانه‌های انجمن مطرح شده است. شعارها (دربردارنده توصیه‌ها و اصول بهبود برای کار بر روی برنامه ۱۲ قدمی است) در کنار قدم‌های بهبود قرار دارند و مرتب در جلسات تکرار می‌شوند و این جایگاه ارزشمند آن‌ها را به ما یادآور می‌شود. علی‌رغم سودمندی این شعارها برخی انتقاد دارند و آن را باعث وابستگی اعضا می‌دانند و از آن به جنبش دینی یاد می‌کنند که از خدمات روان‌پزشکی دورشان می‌کند. آنچه در خرده‌مقوله ایمان‌محوری رویکرد انجمن مطرح می‌شود، اینکه تا زمانی که آدم‌های مذهبی در دنیا وجود دارند، این مدل خریدار دارد؛ چون مبنای مدل انجمن در اصول علم قرار نمی‌گیرد، بلکه حوزه معرفتی (حوزه ایمان) است.

شرایط زمینه‌ای: موجبات علی‌الگوهای ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام نه در شرایط خلأ بلکه در شرایط محیطی و زمینه‌ای خاصی شکل می‌گیرند و در نتیجه توضیح این الگوها نیاز به فهم شرایط دارد. مشارکت‌کنندگان به عوامل شرایط زمینه‌ای شامل اصول اساسی انجمن و ویژگی‌های سازمانی اشاره کرده‌اند که خرده‌مقوله‌های مربوط به هر یک از مقوله‌ها همراه با مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌های انجام‌شده در جدول زیر آمده است.

جدول ۴: مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده مربوط به شرایط زمینه‌ای (اصول اساسی انجمن و ویژگی‌های سازمانی)

مقولات اصلی	خرده‌مقوله	مفاهیم
	معنویت سکولار	برنامه ۱۲ قدمی، دنیوی کردن دین، رسیدن به عجز، قدرت برتر
	گمنامی و رازداری	گمنامی اعضا راز ماندگاری و رشد انجمن هست
اصول اساسی انجمن	پیوستگی	تداوم زنجیر عشق در جهان، مستمر کار کردن قدم‌ها با راهنما، حضور منظم در جلسات
	زبان بین‌المللی	رعایت اصول برنامه بین‌المللی، ساختار جهانی (۵ دفتر اصلی)
	رویکرد انتقادی	عدم مجوز برای مصرف دارو زیر نظر پزشک
	رویکرد سندیکایی	انتخاب رئیس براساس رأی‌گیری، متخصص‌ستیزی بین اعضا
	رهبری مؤثر	خدمت‌گزار تأثیرگذار و مورد اعتماد، ویژگی‌های رهبری
	تفویض اختیارات	تفویض اختیارات به خدمت‌گزاران، ارائه گزارش، رأی نمایندگان
	استقلال مالی (سازمان خودگردان)	تقسیم و بودجه‌بندی، استقلال مالی، تأمین هزینه، سبد در گردش
	انشعاب کارکردی	انشعاب انجمن، بازبینی آموزه‌های انجمن، بت‌وارگی راهنمایان
ویژگی‌های سازمانی	ساختار خدماتی	ساختار براساس اعتماد، تأمین، توسعه و هماهنگی، ساختار خدماتی نه حکومتی
	تجمع قدرت یا تمرکزگرایی	مطلق‌انگاری انجمن، دیستریکشن (عدم تمرکز)، فرقه‌گرایی
	کمیته‌بندی	کمیته‌های فرعی (مستول روابط عمومی، بیمارستان‌ها و زندان‌ها، سایت و جلسات، مجله، کارگاه‌ها)
	وجه اقتدار انجمن	دارای تشکیلات سازمانی، جامعه سندیکایی، همدلی راهنما و رهجو

براین اساس، رازداری بخشی از گمنامی است نه همه مفهوم گمنامی، و اصل گمنامی را باید رعایت کرد، گمنامی آفت ندارد. برای پیشگیری از آفت‌ها، اعضا گمنام شدند. اصل گمنامی در برنامه‌های دوازده قدمی به قدری مهم است که قسمتی از نام انجمن را شامل می‌شود. گمنام فردی به اعضا این اجازه را می‌دهد تا با اطمینان خاطر به دنبال بهبودی بروند. «انجمن معتادان گمنام برای رساندن پیام بهبودی به معتادی دیگر، توانسته است زبان بین‌المللی برای همه معتادان دنیا به وجود بیاورد، همه جای دنیا اسم NA و افراد

انجمن را کم‌وبیش می‌شناسند، تمامی سنت‌ها، قدم‌ها، مفاهیم و کتاب‌های مربوط به انجمن را خود اعضای انجمن در دنیا با استفاده از تجربیات و خاطراتشان نوشته‌اند که این دو مقوله فرعی از ویژگی‌های جامعه مدرن محسوب می‌شوند که در انجمن نمود بیرونی و اجتماعی دارند.

مقوله فرعی استقلال مالی یا سازمان خودگردان از ویژگی‌های سازمانی نشانگر آن است که یکی از قوانین مهم انجمن معنادران گمنام خودکفایی انجمن است. در انجمن به آن سنت هفتم می‌گویند و به این مضمون است که هر گروه معنادران گمنام می‌بایست متکی به خود باشد و کمکی از خارج دریافت نکند. این سنت به ما کمک می‌کند استقلال انجمن محفوظ بماند. از لحاظ ساختاری چون وابسته به هیچ مرکز و سازمان وابسته‌ای نیست، به صورت خودکفا، خودگردانی می‌شود و ساختار خدماتی مدعی است، انجمن ساختار کلی دارد که در آن همه چیز براساس اعتماد هست. در ساختار، افراد به صورت فردی کار نمی‌کنند و به صورت گروهی کار می‌کنند. وقتی نماینده انتخاب می‌کنند، در هیئت‌ها نماینده‌ها مجدداً نماینده‌ای از بین این افراد، انتخاب می‌شوند و به ساختار بالاتر می‌روند تا جایی که به رأس هرم می‌رسند که دارای هرم سازمان جهانی موجود در امریکا برگزار می‌شود. این افراد تمام مشکلات گروه‌ها را بررسی می‌کنند و هر جا که نیاز به کمک داشته باشد تأمین می‌کند. اینگونه نیست که یک نفر بخواهد دستور بدهد و بقیه اجرا کنند. شرایط مداخله‌ای شامل مقوله‌های دیالکتیک فرد و جامعه در انجمن، فرصت‌های درون‌انجمنی و تهدیدهای درون‌سازمانی استخراج شدند که خرده‌مقوله‌های مربوط به هر یک از این مقوله‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۵: مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده مربوط به شرایط مداخله‌ای (دیالکتیک فرد و جامعه، فرصت‌های درون‌انجمنی، تهدیدهای درون‌سازمانی)

مقوله	خرده‌مقوله	مفاهیم
دیالکتیک فرد و جامعه در انجمن	دمکراتیک بودن	انتخابات عمومی، رأی‌گیری گروهی، روحیه برابری خواهی و اجتناب از سلسله‌مراتب، اشتراک اعضا در اعتیاد، برابری حقوق اعضا
	ارتباطات اعضا	اشتراک‌گذاری تجربه‌ها، استفاده از تجربه‌های آزموده‌شده، اصول
	رویکرد تجربی اعضا	زندگی بر پایه تجربه، اهمیت سیر تجربی زندگی، نبود جبر
	روحیه سازمانی انجمن	استقلال انجمن، در اولویت بودن اهداف انجمن
فرصت‌های درون‌انجمنی	فرایندی بودن آموزش	مهارت‌محوری آموزش در انجمن، خدمت کارآمد با برخورداری از
	مهارت‌محور	انواع صلح، پرورش روحیه‌ی یاری‌گری، فرایندی و دائمی بودن بهبودی
	فضای پرورش منش	آگاهی‌بخشی به معنادار، ایجاد فضای اجرای سنت‌ها، رویکرد
		دوازده‌قدمی تنها یکی از راه‌های بهبودی، پذیرش وجود راه‌های متنوع ترک اعتیاد
تهدیدهای درون‌سازمانی	نقد به نقش سازمانی اعضا	نقد سیستم سازمانی، متخصص‌ستیزی، تقابل بهبودی و درمان
	امکان ایجاد تناقض درون‌سازمانی	ایجاد وابستگی میان رهنما و رهجو، دوری از نظارت در برابر مشترک بودن اسناد مالی
	انتقاد درونی به ساختار انجمن	انتقاد به شعارزدگی، پذیرش و نشر شنیده‌ها، مدل دوازده‌قدم ناهمخوان با فرهنگ انسان شرقی، منطق‌محوری مدل دوازده‌قدم

۲۳۳

233

سال هفدهم، شماره ۹، پاییز ۱۴۰۲
Vol. 17, No. 69, Autumn 2023

در خرده مقوله دمکراتیک بودن ارتباطات اعضا، در انجمن، سیستم خدمات رأی‌گیری با واژه «فهم گروهی» عجین می‌باشد که اعضا سعی می‌کنند رأی اجماع بگیرند، آنقدر اعضا بحث می‌کنند تا به اجماع برسند، اما صدای مخالف را هم می‌شنوند. در خرده‌مقوله رویکرد تجربی اعضا، افراد با بیداری روحانی و تجربه کردن نتایج برنامه انجمن در زندگی‌شان، گرد هم می‌آیند تا پیام بهبودی را خیلی بیشتر از آنچه هر یک به تنهایی می‌توانند، بسط دهند. خدمت در انجمن، تحمیل اراده و عقاید به دیگران نیست، بلکه خدمت فروتنانه به آن‌ها، بدون چشم داشت و انتظار است. خرده‌مقوله فرایندی بودن آموزش مهارت‌محور بیانگر این است، در بعضی از پست‌ها، خدمت‌گزاران مورد اعتماد به مهارت خاصی نیاز دارند تا بتوانند رهبران مؤثری باشند؛ بنابراین انجمن آدم‌های بهتری با مهارت بیشتر تربیت می‌کند. خرده‌مقوله نقد به نقش سازمانی افراد، بیانگر آن است که بین

اعضای انجمن‌های ۱۲ قدمی نوعی متخصص‌ستیزی هم وجود دارد. یعنی در چرخه مداخلات، انواع و اقسام مدل‌های بهبودی مانند استفاده از پزشک، روانپزشک، مددکار، مشاور، گروه‌های هم‌تا و خودیار وجود دارد. در خرده‌مقوله امکان ایجاد تناقض درون‌سازمانی در انجمن، درمانگر با مراجعه‌کننده یا بیمار (راهنما و رهجو) هم‌زمان با یکدیگر مسیری را طی می‌کنند و هم‌زمان با هم درمان می‌شوند و شاید در این مسیر از هم جدا شوند. لزوماً نباید تا آخر عمر به هم وابسته باشند و خصلت انجمن این بود که این دو با هم درمان شوند. قرار نبود مداخله بالا به پایین باشد (مداخلاتی از جنس همدلی، اعتماد، مشاوره درمانی و گروه درمانی، جنس مداخلات معناگرا هست). دو مقوله اصلی استراتژی‌های سازمانی و مکانیسم‌های بازتوانی جزو راهبردها و اقدامات ساختار سازمانی انجمن معتادان می‌باشد.

جدول ۶: مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده مربوط به استراتژی‌ها و اقدامات (استراتژی‌های سازمانی و مکانیسم‌های بازتوانی)

مقولات اصلی	خرده‌مقوله	مفاهیم
استراتژی‌های سازمانی	گروه‌های نظارت‌کننده درمان	ساختار نظارتی، غیر حرفه‌ای بودن انجمن، تفهیم رفتار سازمانی
	سبک‌های ارتباطی و گروه‌های کاری	رای اجماع، فهم گروهی، سبک ارتباطی اقتدارگرایی، کاریزما
	وابستگی / پیوند با انجمن	جامعه‌شناسی بیمارستانی، انسجام درونی، تمایل، خدمت کردن
	گروه‌های همالان یا خودیاری	وجدان گروه، همدردها، رفتار غیرمسئولانه، رویکرد مدارایانه خاص
مکانیسم‌های بازتوانی	شبکه‌سازی انجمن	یکسان‌سازی اطلاعات روز، ارتباطات قوی، اصل چرخش
	الزام به اجرای قدم‌ها و سنت‌ها	زمین بازی (حوزه ایمان)، نیروی برتر، انتخابات، آگاهی، پیشرفت‌های متعالی، اصول زندگی کردن، مدل ۱۲ قدمی
	معادرمانی	صدافت در پاکی، رساندن پیام بهبودی، معنا پیدا کردن رنج
مکانیسم‌های بازتوانی	حمایت اجتماعی	عشق بلاعوض، خدمات‌رسانی رایگان، مراقبت جمعی، چتر حمایتی
	تحول و شکوفایی معنوی	منطق انجمن اخلاق‌محور، نیروی برتر، بازیابی معنوی
	زمینه‌های روان‌شناختی	خاصیت خودافشایی، حفظ حریم خصوصی، لغزش معتاد
	باز تولید گروه و خدمات الکترونیک	آشنایی با دنیای الکترونیک، توسعه ارتباطات در فضای مجازی
	معنویت متعادل	برنامه الهی معنوی، ایمان‌مدار، آموزه‌های معنوی، روشن‌بینی

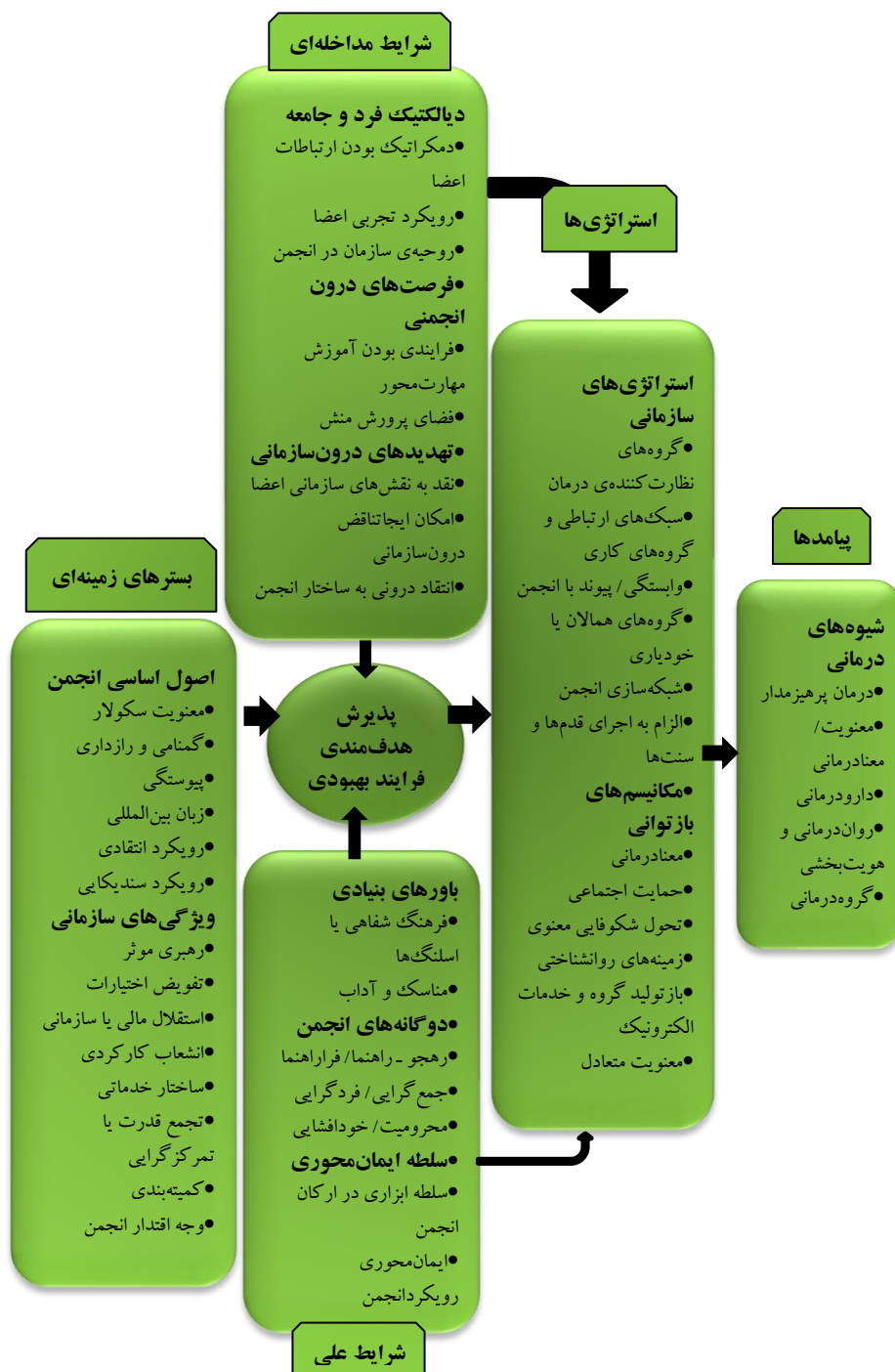
گروه‌های خودیاری در گروه‌های دوازده‌قدم و همچنین برخی از انجمن‌های سکولار بر حمایت همدردان و خرد عمومی تکیه دارند. این گروه‌ها برخلاف گروه‌های درمانی، توسط متخصصان اداره نمی‌شوند، پولی برای گرفتن این خدمات پرداخت نمی‌کنند و نیز محدودیتی در تعداد اعضا وجود ندارد. از جمله منافع این گروه‌ها می‌توان به دوستی، حمایت عاطفی، دانش تجربی، هویت‌یابی، نقش‌های معنادار و احساس تعلق اشاره کرد؛ چیزهایی که متخصصان در گروه‌های درمانی کمتر آن‌ها را فراهم می‌آوردند. این فرایندها پرورنده احساس تعلق، باورهای سازگار، سرمشق‌آموزی، رویکردهای مدارایی خاص، اطلاعات علمی یا کاربردی، و تدارک فرصت‌هایی برای مشارکت معنادار با دیگران برای بازسازی یا گسترش شبکه‌های اجتماعی است.

مقوله مکانیسم‌های بازتوانی بیانگر این است که همه اعضای انجمن، درد مشترکی به نام اعتیاد دارند که در چرخه بهبود قرار گرفته‌اند و این شبکه حمایت‌گرا نه است و به همدیگر خدمت‌رسانی می‌کنند. هر عضوی، راهنما و مرشدی دارد و هر لحظه بخواهد به راهنمایش دسترسی دارد. این خدمت‌رسانی رایگان، بی‌دریغ و بی‌چشمداشت است؛ حتی اگر مجدداً به مصرف روی بیاورند و عود کنند، باز از این توجه و مراقبت جمعی بی‌نصیب نمی‌مانند. اصطلاح عشق بلاعوضی که در انجمن‌های دوازده‌قدمی مشاهده می‌شود، نقطه حسن ارتباطات اجتماعی‌شان است. مقوله فرعی تحول و شکوفایی معنوی گام اول اعضای انجمن برای ترک، اظهار عجز هست. اساساً برنامه دوازده‌قدمی، برنامه ترک مواد نیست، برنامه بازیابی معنوی است و اعضا در انجمن نگاهشان را نسبت به زندگی تغییر می‌دهند. آن‌گاه مصرف مواد از کارکرد و اولویت اصلی خودش می‌افتد و اولویت‌های افراد عوض می‌شود. فراوانی بالای این دو مقوله فرعی نشانگر این است که مکانیسم‌های بازتوانی در انجمن، مکانیسم اجتماعی است نه روان‌شناختی و مبنای آن جمعی و گروهی است.

جدول ۷: مفاهیم و مقوله‌های استخراج‌شده مربوط به پیامدها (شیوه‌های درمانی و بازتوانی)

مقولات اصلی	خرده‌مقوله	مفاهیم
	درمان پرهیزمدار	تعصب اعضا، ریپلس، دیدگاه قدیمی، گروه‌های خودیاری، رادیکال بودن روش، مجوز ندادن برای مصرف دارو
	معنویت / معنادرمانی	مدل متافیزیکی (ایمان)، مداخلات معناگرا، اصول روحانی، نیروی برتر، روشن‌بینی معنوی، مدل فکری ترکیبی
شیوه‌های درمانی و بازتوانی	دارو درمانی	متخصص‌ستیزی در انجمن، تعصب انجمن از درمان دارویی
	روان‌درمانی و هویت‌بخشی	دلبستگی و احساس تعلق اعضا، تسلیم شدن بیمار، اصل روحانی به نام پذیرش، دانش رایگان همراه با عشق، هویت‌یابی از انجمن
	گروه‌درمانی	رابطه راهنما و رهجو، مفهوم سندیکایی، درمان گروهی، روان‌شناختی معناشناختی یالوم، کنار گذاشتن خودمحوری، وجدان گروهی

آنچه در خرده‌مقوله گروه‌درمانی مطرح می‌باشد این است که برنامه دوازده‌قدم برای معتادان آماده ترک، جواب می‌دهد. آموزه‌های اعضای انجمن، همبستگی بین افراد را تقویت می‌کند. دعا کردن، بغل کردن، تماس گرفتن، جلسه رفتن انواع جلسه‌ها، صحبت کردن، تهدیگ‌خوری، حرف زدن بعد از جلسه؛ همه این‌ها به معتادان کمک می‌کند. وجدان گروهی وسیله روحانی است برای دعوت از خداوند که در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشد. یکی از چارچوب‌های مفهومی آیین انجمن معنادرمانی ویکتور فرانکل هست که بیان می‌دارد اگر در رنجی که می‌کشید معنایی پیدا نکنید، لیاقت کشیدن همان رنج هم را ندارید. یعنی کسی که قرار هست ترک مصرف مواد کند، درواقع ریاضتی را بر نفسش اعمال می‌کند و با انجمن به رنج معنا می‌دهد. در انجمن خیلی مهم است که درمانگر با مراجعه‌کننده (راهنما و رهجو) همزمان راهی را می‌روند و همزمان با هم درمان می‌شوند. خصلت انجمن این بود که این دو با هم درمان شوند و قرار نبود مداخله بالا به پایین باشد. این‌ها مداخلاتی از جنس همدلی، اعتماد، مشاوره‌درمانی و گروه‌درمانی است. بنابراین یکی از روش‌های درمانی انجمن، از جنس مداخلات معناگرا هست که لزوماً نباید تا آخر عمر به هم وابسته باشند.



شکل ۱: الگوی ساختاری سازمانی انجمن معتادان گمنام با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ساختار سازمانی انجمن معتادان گمنام انجام گرفت. براساس نتایج به دست آمده ساختار سازمانی شکل گرفته در سازمان‌ها که بر اثر استمرار و تکرار در طول زمان به وجود آمده، یکی از ارکان اساسی در سوگیری سازمان برای دستیابی به اهداف جمعی خویش است که اغلب در مطالعات انجام شده در انجمن معتادان گمنام نادیده گرفته شده است. این در حالی است که تأکید اعضای این انجمن بر پایداری نوع خاصی از روابط درون سازمانی مبتنی بر روابط همدلانه است. این گروه ویژگی اصلی انجمن معتادان گمنام را در همین روابط و پابندی اعضا به حفظ اقتدار انجمن پیرامون اصول اساسی و گام‌های دوازده گانه اعضای انجمن می‌دانند. علاوه بر کارکرد جهت‌یابی انجمن، ساختار سازمانی انجمن دارای کارکردهای متنوعی است. نخست، ساختار انجمن تواناساز است و افراد را در راستای تحقق سلامت انجمن برای ترک اعتیاد توانمند کرده است. دوم، ساختار انجمن بازدارنده است و با سلسله‌مراتبی انعطاف‌پذیر و سیستمی از قواعد و مقررات تنبیه، بر اجابت و هم‌نوایی اعضای سازمان متمرکز است و اعضا موظفند در جلسات مرتب و منظم شرکت کنند و از مصرف هرگونه مواد اعتیادآور پرهیز داشته باشند. سوم، ساختار سازمانی انجمن از طریق طراحی الگوهای هم‌کنش‌گرایانه، زمینه کنترل اعمال اعضا را فراهم می‌نماید. ساختار شبکه روابط اجتماعی انجمن معتادان گمنام در ایران که در میان معتادان بهبودیافته یا در حال بهبودی شکل گرفته، نمونه‌ای از شبکه روابط اجتماعی خودجوش، مردمی و دارای قدرتی از پایین به بالا است. الزام اعضای انجمن به اجرای قدم‌ها و سنت‌ها شباهتی میان قدرت ساختاریافته در انجمن و نظریه قدرت و اقتدار وبر ایجاد کرده است و قدرت را عقلانی و مبتنی بر قانون می‌داند که مقبولیت خود را از طریق تأیید اعضا به دست می‌آورد. در انجمن معتادان گمنام نیز قدم‌ها و سنت‌ها وجه قانونی انجمن را دارند و پابندی به آن‌ها، قدرت سازمانی را تأیید می‌کند تا هنگامی که اعضای انجمن بتوانند با استفاده از قدرت مادی یا معنوی، پیروی از قوانین را الزامی سازند و برای تخلف از آن مجازات‌هایی وضع کنند. همچنین نظم قانونی در انجمن مشاهده می‌شود و این نظم بر توزیع قدرت اجتماعی و اقتصادی انجمن اثر می‌گذارد.

مشارکت کنندگان، الگوی ساختار سازمانی در انجمن را متکثر دانسته و این الگو را صورت‌بندی شده تحت شرایط خاصی می‌دانند. در روابط بین راهنما و رهجو، نظام اقتدار پدرسالارانه، رهجو را به پذیرش، سکوت و یا تحمل دعوت می‌کند که یکی از انواع اقتدار سنتی در ادبیات وبر می‌باشد. علاوه بر این نوع اقتدار، اقتدار کریسمایی نیز در میان اعضای انجمن به عنوان نیرویی انسجام‌دهنده در بعد معنوی وجود دارد؛ اقتداری که برآمده از شیدایی جمعی معذب‌بانه است نه کنشی عقلانی. در ایران براساس آسیب‌هایی که در روابط بین راهنما و رهجو رخ داده، راهنما نقش فرد محوری در اقتدار پدرسالارانه را ایفا می‌کند که در زندگی خصوصی و خانوادگی رهجویش دخالت می‌کند. همچنین اعضای انجمن، راهکارهایی در انجمن برای خودشان ایجاد کرده‌اند و تقابل بین جمع‌گرایی و فردگرایی را تبدیل به تضادی سازنده در راه دستیابی به اهداف انجمن کرده‌اند. از یک طرف، هیچ کدام از اعضا نباید رازهای اعضای دیگر را برملا بسازند، از طرفی دیگر، خودافشایی وجود دارد و در کنار این تضادهای رفتاری، اعضای انجمن مانند جوامع سنتی از یکدیگر حمایت می‌کنند که مصداق حمایت اجتماعی است. براساس این حمایت، گروه اجتماعی منسجمی تشکیل شده که براساس کنش‌های سنتی عمل می‌کنند. بنابراین در یک بستر اجتماعی که اصول مدرن بودن در آن وجود دارد شکلی از کنش‌های سنتی را اجرایی کرده‌اند. همچنین رویکرد سندیکایی در آراء تنهایی (۱۴۰۱) نیز همسو با ساختار سازمانی انجمن است. مهم‌ترین شرط برقراری سندیکالیسم در دستگاه تفسیری پرگمتیسم، حق چانه‌سازی از پایگاه برابر و برابری حق سیاسی و کنشگری اجتماعی برای تمامی طرف‌های درگیر در کنش اجتماعی و یا هرگونه‌ای از پیکربندی اتحادیه و سندیکاست.

معنویت سکولار از اصول اساسی انجمن که از مقوله‌های شرایط زمینه‌ای الگوی ساختاری است و نشان می‌دهد مشارکت در انجمن، رابطه مثبتی با دینداری دارد. اعضای انجمن بر اساس مکانیسم‌های دوگانه‌ی معنویت به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ اعضای متمایل به معنویت سکولار که اعضای منتقد مذهبی‌گرایی و اعضای متمایل به معنویت

مذهبی که گروه مذهب گرای انجمن را تشکیل می دهند (کورتز و وایت^۱، ۲۰۱۵). در حقیقت اخلاق و معنویت نمای ظاهری مراحل ۱۲ گانه انجمن معتادان گمنام است که ذاتاً غیر یهودی، غیر مسیحی؛ غیر اسلامی و ... است (دُست، ۲۰۱۳). تجربیات معنوی در گروه های خودیاری نتیجه مشارکت سکولار در انجمن است. این رویکرد دینی و سکولار در رشد معنوی، نشان دهنده دو راه متفاوت برای دستیابی به هدف انجمن؛ معنویت سکولار و معنویت دینی است. اعضای انجمن وابسته به مذهب از هر دو نوع معنویت به طور موازی استفاده می کنند، اما برای شکاکان مذهبی، آتئیست ها و گروه های خودیاری امکان رشد معنوی را بدون دخالت مذهبی فراهم می کنند (ناک، ۲۰۲۱).

در ساختار سازمانی انجمن دو الگوی راهبردی «استراتژی سازمانی و مکانیسم های بازتوانی» شکل گرفته است. در الگوی استراتژی سازمانی، افراد پس از گذشت زمانی از شرکت در جلسات اعضای انجمن معتادان گمنام، به عنوان یکی از گروه های خودیاری، بهبودی قابل ملاحظه ای در زمینه هایی چون استخدام و کار، مصرف مواد و الکل، درگیری های قانونی، عزت نفس، روابط درون خانوادگی و کاهش نشانه های فیزیولوژیکی ناشی از پرهیز از مواد نشان می دهند. معنادرمانی یکی از مکانیسم های بازتوانی است که کاربرد آن مشابه الگوی ویکتور فرانکل (۱۳۹۸) می باشد. ویکتور فرانکل معتقد است در معنادرمانی، فرد در جهتی راهنمایی می شود که معنی زندگی خود را بیابد. درمان گروهی به سهولت این امکان را فراهم می سازد که تعدادی از این افراد در یک مکان جمع شده، با یکدیگر رابطه برقرار کنند و راجع به مشکلات مشابه خود به گفتگو بنشینند. اعضای گروه در جریان هم کنشی، به یکدیگر کمک می کنند، یعنی در جریان درمان از یکدیگر حمایت می کنند، به هم اطمینان می دهند، پیشنهاد می کنند و بینش می دهند. دیوینسون، نیل و کرینگ^۲ (۲۰۰۴) بر این باورند که در معنادرمانی به فرد کمک می شود تا با قرار دادن خود در بافتی بزرگتر، فلسفه ای از زندگی را مبنی بر اینکه فرد برای وجود و حیاتش مسئول است به دست بیاورد. گفتگو و هم کنشی بین اعضا، موجب هم افزایی و رشد و شکوفایی انجمن می شود.

درنهایت، کارکرد معنادرمانی به عنوان یکی از شیوه‌های درمان، شکل‌گیری و استمرار اراده و هدف‌مندی در دستیابی به هدف است. به نظر یالوم^۱ (۱۹۹۵) که امید را به عنوان یک عنصر اساسی فرایند درمان مشخص می‌کند، زمانی که افراد در شرایط مبهمی هستند و رسیدن به اهداف در آن شرایط قطعی نیست، ممکن است از طریق متوسل شدن به استراتژی‌های متنوعی، اراده و هدف‌مندی خود را حفظ کنند. برای اقدام به ترک اعتیاد علاوه بر خستگی به امید هم نیاز است و آنچه اعضا را امیدوار کرده است آشنایی با معتادان بهبودیافته دیگر است. بر اساس کارکردهای متنوعی مانند تواناسازی، بازدارندگی، قدرت تعمیم‌یافته و متکثر در میان اعضای انجمن، ساختار سازمانی انجمن، ساختاری با کارکردهای چندگانه است که این چندگانگی موجب شده تا ابعاد متفاوتی از زندگی اعضای انجمن با روابط درون‌سازمانی گره خورده و همسویی میان اهداف فردی و گروهی اعضا به وجود آید.

منابع

بلومر، هربرت (۱۳۹۶). *جامعه صنعتی (تحلیلی دیالکتیکی از ساختار قدرت در آمریکا)*. ترجمه حسن ابوالحسن تنهایی، بیتا مدنی، تهران: نشر دریای تنهایی و بهمن برنا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۸).

بیگی، علی؛ محمدی‌فر، محمدعلی؛ فراهانی، محمدنقی و محمدخانی، شهرآ (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های مدارا با استرس و سطح امیدواری بین اعضای انجمن معتادان گمنام و معتادان تحت درمان نگهدارنده متادون. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۵ (۲۰)، ۷۲-۵۵.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۹). *دستگاه نظری مکس وبر*. تهران: اندیشه احسان.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۴۰۰). *دستگاه نظری تفسیرگرایی پرگماتیستی*. تهران: اندیشه احسان.

تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۴۰۲). *جامعه‌شناسی نظری: مبانی، اصول، مفاهیم و قواعد*. تهران: بهمن برنا.
خونساری، ابوالفضل و جعفری هرنندی، رضا (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش دوازده‌قدم انجمن معتادان گمنام بر تاب‌آوری و خودکارآمدی اعضای انجمن معتادان گمنام. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۶ (۶۴)، ۲۵۹-۲۷۸.

- دیلینی، تیم (۱۳۹۹). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، چاپ سوم. تهران: نشر نی.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۹۹). *واکاوی تجربه اعتیاد، انگیزه ترک و بازتوانی از دیدگاه زوجین شرکت‌کننده در انجمن معتادان گمنام شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- سبزی، سعید و اسلمی، الهه (۱۴۰۱). اثربخشی روش دوازده قدم انجمن معتادان گمنام بر تعارضات زناشویی و تعارضات والد-فرزندی معتادان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۶ (۶۳)، ۳۵۸-۳۳۵.
- ستوده‌اصل، نعمت؛ ماهیگیر، سعید؛ پاک‌نظر، فاطمه و میرمحمدخانی، مجید (۱۳۹۹). مطالعه مقایسه‌ای نگرش بیماران شرکت‌کننده در برنامه معتادان گمنام و بیماران تحت درمان نگهدارنده با متادون نسبت به سوء مصرف مواد. *کومش*، ۳ (۷۹)، ۵۵۰-۵۵۵.
- شیخ انصاری، مهین (۱۳۹۹). *نظریه شبکه روابط اجتماعی در اعتیاد، معتاد از منظر لویناس*. تهران: جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
- صالحی، محمدرضا و طباطبایی‌نژاد، فاطمه سادات (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش قدم‌های دوازده‌گانه انجمن معتادان گمنام بر پذیرش اجتماعی، بهزیستی روان‌شناختی، کیفیت زندگی، و ولع مصرف افراد وابسته به مواد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۶ (۶۵)، ۲۸۷-۳۱۰.
- فوکو، میشل (۱۳۹۷). *اراده به دانستن*. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. چاپ نهم. تهران: نی.
- (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۷۶).
- فرانکل، ویکتور (۱۳۹۸). *انسان در جستجوی معنی: پژوهشی در معناگرایی*. ترجمه نهضت صالحیان، مهین میلانی. تهران: انتشارات درس. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۲)
- قدرتی، شفیعه و رحیمی چیتگر، حمید (۱۴۰۰). مطالعه کیفی تجربه زیسته افراد شرکت‌کننده در انجمن معتادان گمنام از کارکردهای انجمن در ترک اعتیاد. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۵ (۶۲)، ۲۸۹-۳۲۲.
- گافمن، اروینگ (۱۴۰۰). *داغ‌نگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده*. ترجمه مسعود کیانپور. تهران: نشر مرکز. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۶۳).
- نارنجی‌ها، هومان (۱۳۸۹). *تجربه‌های یک درمانگر اعتیاد*. *ایران پاک*، (۳۵)، ۸-۱۲.
- نوروزی جویانی، سعید (۱۳۹۶). *زبان حال: فرهنگ عام‌واژه‌های معتادان*. تهران: دانژه.
- نوروزی جویانی، سعید (۱۴۰۲). *کمی بیش: بهبودنامه اعتیاد*. تهران: دانژه

References

- Bill W. (2009). *The narcotics anonymous step working guides*. 3th ed. Chastworth, CA: NAWs Inc.
- Davinson, C. G., Neal, J. M., & Kring, A. M. (2004). *Abnormal psychology (Ninth Edition)*. New York: John Wilely & sons, INC.
- Dossett, W. (2013). Addiction, spirituality and 12-step programmes. *International Social Work*, 56(3), 369-383.
- Flora, K., Raftopoulos, A., & Pontikes, T. (2010). Current status of narcotics anonymous and alcoholics anonymous in greece: factors influencing member enrolment. *Journal of Groups in Addiction and Recovery*, 5(3), 226-239.
- Galanter, M., White, W. L., & Hunter, B. D. (2019). Cross-cultural applicability of the 12-Step model: A comparison of Narcotics Anonymous in the USA and Iran. *Journal of Addiction Medicine*, 13(6), 493-499.
- Galanter, M., White, W. L., Ziegler, P. P., & Hunter, B. (2020). An empirical study on the construct of "God" in the Twelve Step process. *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, 46(6), 731-738.
- Gossop, M., Stewart, D., & Marsden, J. (2008). Attendance at Narcotics Anonymous and Alcoholics Anonymous meetings, frequency of attendance and substance use outcomes after residential treatment for drug dependence: a 5-year follow-up study. *Addiction*, 103(1), 119-125.
- Kurtz, E., & White, W. L. (2015). Recovery spirituality. *Religions*, 6(1), 58-81.
- Robbins, S. P., & Judge, T. A. (2018). *Organizational Behavior*. 16th Edition. London: pearson.
- Vederhus, J. K., Høie, M., & Birkeland, B. (2020). One size doesn't fit all: a thematic analysis of interviews with people who have stopped participating in Narcotics Anonymous in Norway. *Addiction Science & Clinical Practice*, 15(1), 1-12.
- Wnuk, M. (2021). Indirect Relationship between Alcoholics Anonymous Spirituality and Their Hopelessness: The Role of Meaning in Life, Hope, and Abstinence Duration. *Religions*, 12(11), 934-945.
- Wnuk, M. (2022a). The role of optimism and abstinence in the mechanism underlying the indirect links of religious and spiritual involvement with the happiness of alcoholics anonymous from Poland. *Religions*, 13(9), 853-870.
- Wnuk, M. (2022b). The beneficial role of involvement in alcoholics anonymous for existential and subjective well-being of alcohol-dependent individuals? the model verification. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(9), 5173-5190.
- Yalom, I. D. (1995). *The theory and practice of group psychotherapy*. (4th Ed.), New York: Basic Books.

